

بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۰۸)

میر حیدر میر نقی زاده

دکتری حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه و قاضی دادگستری

علی چراغی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس رسمی قوه قضائیه

چکیده

قاعده ی تقلیل خسارت، عبارت از این است که متضرر از نقض قرارداد(متعهده)وظیفه دارد اقدامات لازم را برای تقلیل یا جلوگیری از گسترش خساراتی که از نقض قرارداد یا فعل زیان بار دیگری برای وی حادث شده، انجام دهد. مناسبترین قاعده ای که می تواند قاعده ی مقابله را در فقه اسلامی و به تبع آن حقوق ایران توجیه کند، قاعده ی معروف فقهی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» است؛ با این توضیح که اگر وظیفه مقابله با خسارات را بر دوش خواهان یا شخصی که در معرض خسارت قرار دارد، بار نکنیم، عدم این حکم و تکلیف، موجب ضرر می شود و بنابراین، حکم به این تکلیف می دهیم. گرچه این قاعده، به صراحت در قوانین ایران پذیرفته نشده است؛ لیکن بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، با مراجعه به متون فقهی، قابل پذیرش می باشد. همچنین قانون گذار ایران، در مواردی، این قاعده را به صورت ضمنی در متون قانونی پذیرفته است. بنابراین این مقاله درصدد آن است که نکاتی که به طور کلی در فقه امامیه به آن پرداخته شده است، و در قوانین موضوعه ایران به صورت خیلی مختصر بحث گردیده است و حقوقدانان و فقیهان به طور کلی یک جا به مسئله پاسخ نداده اند به طور دقیق و جزئی و بدون بررسی کرده و موضوعات را با هم تطبیق داده تا در جهت بهبود کیفیت مطالب موجود در متن قوانین موضوعه ایران که به طور مبهم و مسکوت مانده اند کمک کرده و راهکارهای لازم را ارائه گردد.

واژگان کلیدی: تقلیل خسارت، نقض قرارداد، زیان دیده، مسئولیت مدنی



بخش اول: کلیات

به موجب قاعده تقلیل خسارت، زیان دیده نمی تواند تنها نظاره گر ورود خسارت باشد بلکه بایستی تمامی اقدامات متعارف و معقولی را برای تقلیل خسارت، لازم و ضروری است، انجام دهد، در غیر این صورت حق مطالبه خسارت قابل تقلیل را از خواننده نخواهد داشت.^۱

بند اول: مفهوم تقلیل خسارت

برای ارائه تعریف مناسب از خسارت لازم است معنای لغوی خسارت روشن شده و سپس تعریف اصطلاحی خسارت و انواع خسارت معلوم شود. لذا مسئله جبران مالی خسارت امری است که مهمترین مبدأ تصویری آن مفهوم خسارت است، بنابراین بحث از معنای لغوی و اصطلاحی خسارت، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است و اصل جبران خسارت منشاء فطری انسانی دارد که موضع ادیان الهی با توجه به مقتضیات زمانی خود تنها معرف دگرگونی شکل آن است. کلمه خسارت از لغات زبان عربی است که در زبان فارسی نیز استعمال می گردد و در فرهنگ های لغت مختلف برای این کلمه معانی مشابه و احیاناً مختلفی ذکر گردیده است: چنانکه کلمه خسارت در «المعجم الوسیط» به معنی «زیان کردن در تجارت» معنی نموده اند و مولف المنجد ضرر را به معنای ضد نفع، شدت ضیق، سوء حال و نقص شیء دانسته است.^۲ مولف قاموس المحيط و قابوس الوسیط آن را به معنای ضد نفع، شدت، سوء حال، نقص در اموال و انفس دانسته است. در قرآن کریم، کلمه ضَرَّ (وزن فَعَلَ) را به معنای بد حالی دانسته اند و هم اینکه که ضَرَّ اعم از آنچه در نفس باشد مانند فقدان علم، عفت یا در بدن مانند نقص عضو یا در حال مانند کمی مال و جاه و ضَرَّ (وزن فَعَلَ) پیوسته مقابل نفع بکار رفته است.^۳ کلمه‌ی خسارت به فتح

۱. شعاریان، ابراهیم، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره ۲.

۲. معلوف، لوئیس، ۱۹۷۳، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت، دارالمشرق، ص ۴۴۷.

۳. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشرالکتاب، ص ۲۹۳.



خا و راء در زبان فارسی مترادف واژه‌های زیان و ضرر است.^۱ و به معنای ۱- ضرر کردن، زیان بردن ۲- زیانکاری، زیانمندی ۳- زیان، ضرر است از این رو در معنای زیان گفته شده است زیان به معنی ۱- ضرر مادی یا معنوی، خسارت مقابل سود و نفع ۲- آسیب و صدمه ۳- نقصان، زیان بردن و ضرر رسانیدن است در معنای کلمه ضرر لغت شناسان نوشته‌اند، ضرر عبارتست از ۱- زیان وارد آوردن ۲- گزند رسانیدن ۳- زیان، خسارت، مقابل نفع ۴- گزند و آسیب.^۲

کلمه خسارت در کتاب ترمینولوژی حقوق دارای دو معنای می باشد:

الف) مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود.

ب) زیان وارد شده را هم خسارت گویند.^۳ اگر چه کلمه خسارت از مفاهیم بدیهی و روشن است، تأمل در آثار لغت شناسان ما را در دریافت موارد استعمال آن رهنمون می شود. با دقت در موارد استعمال خسارت و کلمات مترادف آن در زبان فارسی نتیجه می گیریم که این کلمه در زبان فارسی به معنای مصدر، اعم از لازم و متعدی، و اسم مصدر بکار گرفته است.

بند دوم: مفهوم اصطلاحی خسارت

خسارت تعریف قانونی ندارد.^۴ بعضی از حقوقدانان داخلی واژه‌ی خسارت و ضرر را مترادف تلقی کرده و یکی را به جای دیگری استعمال نموده‌اند ولی باید توجه داشت که واژه‌ی خسارت اعم از کلمه‌ی ضرر است چون کلمه‌ی خسارت علاوه بر معنای زیان که به دیگری وارد می شود بر تاوان و غرامتی که به زیان دیده داده می شود نیز دلالت می کند. برخی از حقوقدانان در تعریف ضرر می نویسند: «در هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی فوت گردد یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد شود می

۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ص ۵۲۳-۵۲۴.

۲. معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، جلد ۶، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۴۱۹.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۷، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ص ۴۱۶.

۴. جعفری لنگرودی، منبع پیشین، ص ۲۱.





گویند ضرر به بار آمده است»^۱. برخی نیز در بیان ضرر نوشته‌اند: «ضرر ممکن است به واسطه‌ای از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه‌ی فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است». این تعریف به تبعیت از ذیل ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی ارائه شده و از جامعیت برخوردار نیست. بدیهی است حقوق دانان باید با عنایت به قانون و عرف و دیگر منابع حقوق، تعریف خود را از یک مفهوم ارائه دهند. چه، اتکا به یکی بدون دیگری چه بسا او را از دست یابی به مفهومی که از جامعیت برخوردار باشد باز می‌دارد، باید اذعان کرد که مفهوم خسارت و ضرر از مفاهیم عامه است که ذاتاً روشن و بدیهی است و حقوق دانان در تعریف آن، بیشتر ناظر به دست یابی متنوع و تکرر موارد و مصادیق آن است. در قانون مدنی ایران هنگامی که از خسارت ناشی از عدم ایفاء تعهد یا جبران خسارت سخن به میان می‌آید، منظورشان زیان وارد شده و هنگامی که از تأدیه خسارت بحث می‌کنند منظورشان جبران ضررهای وارد شده می‌باشد.^۲

در مواد ۹، ۱۴ و ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری عناوین «ضرر و زیان» با هم به کار رفته است. این نوع به کارگیری واژه‌های مترادف در نگارش قانون این ذهنیت را پدید می‌آورد که قانون‌گذار برای این دو واژه معنای متفاوتی قائل است چون بکارگیری واژه‌های مترادف در قانون واحد، مغایر با منطق نگارش قانون است. با تأمل در معنای این دو واژه در این مواد تفاوتی دیده نمی‌شود، بنابراین آن را باید بر تسامح در مقام نگارش قانون حمل کرد. برخی از حقوقدانان در این زمینه نوشته‌اند: «در عرف قضایی کشور ما اصطلاح «ضرر و زیان» بدون اینکه هر یک از کلمات آن دارای آثار حقوقی ویژه‌ای باشد متداول شده و در اغلب نوشته‌های حقوقی و قضایی و حتی در متن بعضی از قوانین دیگر نیز با همین ترکیب به کار رفته و مصطلح شده است»^۳.

۱. سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۵۴، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص ۶۸۱.

۲. مواد ۲۲۱-۲۲۷-۲۲۹ قانون مدنی.

۳. آخوندی، محمود، ۱۳۷۸، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۷۲.

قانونگذار در اصل ۱۷۱ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در بسیاری از مواد قوانین مختلف عادی برای ارائه مفهوم خسارت از واژه‌ی ضرر استفاده کرده است.

در آثار فقیهان متقدم تعریف مستقلی از خسارت ارائه نشده است ولی عنوان ضرر در موارد و مصادیق خسارت به کار گرفته شده است. در متون فقهی متاخرین نیز مفهوم خسارت به وسیله‌ی واژه‌ی ضرر بیان شده است. «ضرر عبارتست از فوت آنچه که انسان آن را داراست، اعم از اینکه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح، بنابراین چنانچه مال کسی یا عضوی از اعضای او به جهت اتلاف یا تلف ناقص شود یا شخص بمیرد یا به عرض او لطمه وارد آید در این صورت می‌گویند ضرر به او وارد آمده است، بلکه با عنایت به عرف «عدم نفع» در موردی که مقتضی آن تمام و کامل شده باشد ضرر به حساب می‌آید» «ضرر مصدر (ضر) نقص در مال یا نفس یا آبرو است همانگونه که در کتب لغت بدان تصریح شده است»^۱. مؤلف کتاب القواعد الفقهیه، ضرر را به معنای از دست دادن هر یک از مواهب و نعمت‌های زندگی اعم از جان، مال و حیثیت یا هر چیز دیگر که انسان خود از آن بهره‌مند است، دانسته اند^۲. پس در فقه نیز همانند حقوق، سلب حیات فرد، از دست دادن سلامتی جسم، نقص در اموال، فوت، منفعت مسلم، از بین رفتن حیثیت و اعتبار شخص، لطمه به عواطف شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی فرد و از دست دادن هر گونه سرمایه و دارایی و حقی که شخص واجد آن بوده و از آن بهره‌مند بوده است یا اقتضای بهره‌مندی آن در نزد عرف وجود دارد، خسارت و ضرر به شمار می‌آید. در قرآن کریم خود کلمه «خسارت» استعمال نشده است ولی کلمات هم خانواده آن مانند «خسراً والخسران و خسروا» استفاده شده است.

بند سوم: مفهوم قاعده تقلیل

این قاعده را می‌توان این گونه تعریف کرد که: قاعده مقابله با خسارات، عبارت از این است که متضرر از نقض قرارداد (متعهده)، وظیفه دارد اقدامات لازم را برای تقلیل یا جلوگیری از گسترش خساراتی را که از نقض قرارداد برای وی حادث شده را انجام

^۱. الحلی، حسین، ۱۴۱۵، بحوث فقهیه، بی‌جا، موسسه المنار، ص ۲۰۱.

^۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱، القواعد الفقهیه، جلد سوم، قم، مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۴۹.





دهد^۱. اما به نظر می‌رسد که این تعریف، تعریف جامع و مانعی نیست؛ چرا که بیان شده وظیفه دارد با خسارات مقابله کند؛ ولی ممکن است هنوز متضرر از نقض قرارداد ضرری به کسی وارد نشده باشد و متعهدله قرارداد، پس از نقض قرارداد، وظیفه دارد با ایجاد ضرر مقابله کند نه تقلیل آن و بدین شکل اصلاً هیچ ضرری نبیند؛ در این صورت، اطلاق متضرر به این شخص، بی معنی است؛ مانند اینکه شخصی با صاحب رستورانی قرارداد منعقد کند که برای مراسم جشن تولد او، شام تهیه کند؛ اما در شب مراسم، متعهدله، پس از اینکه به رستوران مراجعه میکند، صاحب رستوران، غذا و شام مراسم را تهیه نکرده و به این جهت او به رستوران دیگری مراجعه میکند و با همان قیمت قبل، شام مراسم را تهیه می‌کند و هیچگونه خسارت مادی و معنوی به او نمی‌رسد بنابراین، در تعریف قاعده، نمی‌توانیم از لفظ متضرر استفاده کنیم. ممکن است گفته شود در مواردی که قراردادی در بین نیست، تا ضرری به دیگری وارد نشده، بحث خسارات و جلوگیری یا کاهش آن مطرح نمی‌شود و مقابله با خسارات، پس از وقوع آن مطرح است. اما حتی در این موارد هم اگر زمینه خسارت فراهم آمده و فرد در معرض ضرر قرار گرفته است و می‌تواند با آن مقابله کند، در صورتی که از این امر خودداری کند، کسی مسئول خسارت وارده به او نیست مانند تبصره ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق. دومین ایرادی که می‌توان به این تعریف گرفت، این است که قاعده را فقط در رابطه با تعهد قراردادی و مسئولیت قراردادی ملحوظ دانسته و شامل خسارات غیر قراردادی نمیشود؛ اما به نظر می‌رسد که قاعده مقابله با خسارات، در هر دو زمینه وجود دارد و مخصوص خسارات قراردادی نیست.

لازم به ذکر است که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ۱۹۸۰ هم فقط مقابله با خسارات قراردادی بیان شده است؛ اما این اشکال به مقررات کنوانسیون وارد نیست؛ چرا که همان طور که از نام کنوانسیون برداشت می‌شود، موضوع کنوانسیون، بیع بین

^۱. داراب پور، منبع پیشین، ص ۹.

المللی کالا و شرایط و مقررات آن بوده؛ نه بیان وضع و تعریف قاعده مقابله با خسارات. حتی اگر فقط به وضع قاعده در کنوانسیون بیع بین المللی کالا توجه داشته باشیم، می توان استدلال کرد که خسارات قراردادی، خصوصیتی ندارد که قاعده را محدود به آن کنیم. چه تفاوتی می کند که قراردادی در بین باشد و خسارات وارد شود و یا قراردادی نباشد. مگر بیان شود مبنای قاعده، شرط ضمنی طرفین قرارداد میباشد؛ به این صورت که اگر متعهد، نقض عهد کرد و زمینه خسارات را فراهم آورد، متعهدله هم وظیفه دارد جهت کاهش یا ایجاد آن، اقدامات متعارف را انجام دهد؛ اما با توجه به پیشینه فقهی که در توجیه آن بیان خواهد شد و منابع و پرونده هایی که در وضع این قاعده نقش داشته اند این استدلال صحیح نیست.

بخش دوم: خسارت ناشی از قرارداد

هرگاه بین دو طرف، قراردادی به منظور انجام یا ترک فعل حقوقی یا مادی وجود داشته باشد و متعهد در زمان پیش بینی شده آن را به مرحله اجرا در نیاورد، ممکن است موجب خسارت مالی یا معنوی متعهد له شود. در این صورت منشأ خسارت نقض تعهد قراردادی بوده؛ و مسئولیت تعهد قراردادی است.

البته نقض قرارداد در بیشتر موارد خسارت مالی به همراه دارد و در پاره‌ای موارد موجب خسارت معنوی نیز می شود به طور مثال اگر در نمونه‌های زیر رابطه طرفین را بر مبنای قرارداد تحلیل کنیم، زیان معنوی ناشی از تخلف از قرارداد است. صدمه‌های جسمی که سر نشین وسیله نقلیه در اثر سانحه و بروز جرح می بیند، زیان ناشی از معالجه یا درمان نامطلوب پزشک یا کوتاهی او در انجام اقدامات لازم، افشاء اسرار محرمانه بیمار بوسیله پزشک و یا اسرار موکل بوسیله وکیل، انتشار یک اثر تألیفی بصورت اشتباه و تحریف شده یا نامطلوب توسط ناشر، تأخیر هواپیما یا قطار و در نتیجه نرسیدن مسافر در یک مجلس ضروری یا مراسم تشییع جنازه خویشاوند نزدیک، از جمله خسارت های معنوی هستند که در نتیجه عهد شکنی و تخلف از قرارداد طرفین وجود آمده است^۱. بنابراین تخلف از قرارداد، در بسیاری موارد موجب بروز

^۱سنه‌وری، منبع پیشین، ص ۶۸۱.



خسارت مالی یا معنوی می شود که طبق قواعد کلی حاکم بر قراردادها متخلف در برابر زیان دیده مسئول جبران این خسارات است و این مسئولیت قراردادی نامیده می شود.

بند اول: خسارت ناشی از تقصیر

در بسیاری موارد، خطای شخصی موجب بروز خسارت مالی یا معنوی می گردد به بیان دیگر هرگاه بین دو طرف رابطه‌ای قراردادی نباشد و اقدام زیان بار عامل نیز به موجب قوانین ممنوع نباشد، اگر فعل یا ترک فعل عامل موجب بروز خسارتی گردد که بتوان به او منسوب نمود، منشأ خسارت، خطای شخص عامل است.

خطا در مفهوم گسترده آن شامل ارتکاب فعل از روی سوء نیت و عمد و نیز بی مبالاتی غفلت و یا حتی خطای محض می گردد در تمام این موارد، رابطه‌ی علیت بین «فعل عام» و «وقوع خسارت» باید وجود داشته باشد و او باید به حکم قانون و به طور قهری مسئولیت جبران خسارت وارد بر زیان دیده را بردوش کشد.

این نوع مسئولیت که به عنوان ضمان قهری یا مسئولیت مدنی مرسوم گردیده است و دارای گستره‌ی فراوانی است مثال، اتلاف مال غیر بدون مجوز قانونی یا تصرف آن، توقیف و بازداشت شخص، توهین و اقتراء، ضرب و جرح و تهدید، هتک حریم منزل، سوء استفاده از شهرت تجاری یا علائم صنعتی، تحریف یا اقتباس نابجای یک اثر علمی یا ادبی و مانند آن، نمونه‌هایی از خسارات مالی یا معنوی هستند که ممکن است حتی بدون سوء نیت و از روی اشتباه عامل، بروز نمایند. در هر حال، در این قبیل موارد تقاضای جبران خسارت مبتنی بر خطای مدنی یا مسئولیت مدنی می باشد؛ یعنی همین که رابطه زیان با فعل مرتکب احراز شود او در برابر زیان دیده با رعایت شرایط دیگر مسئول جبران خسارت وارده شناخته می شود.

بند دوم: خسارت ناشی از ارتکاب جرم

در موارد بسیاری، منشأ بروز خسارت مالی یا معنوی، ارتکاب جرم است. یعنی مجرم برخلاف قانون و نظم عمومی جامعه به اعمالی دست می‌زند که ممنوع است و از نظر قانونی ارتکاب این قبیل اعمال، مجازات مرتکب را در پی دارد. به عنوان مثال هرگاه در اثر ایجاد حریق عمدی، مالی بطور کلی یا جزئی آسیب ببیند، یا در اثر توقیف غیر قانونی شخصی از فعالیت روزمره خود و کسب منفعت باز بماند یا حیثیت و آبروی او مخدوش شود، یا در اثر



پخش شایعه یا امور خلاف واقع یا اسرار محرمانه، شخصی اعتبار اجتماعی خود را از دست دهد. یا در اثر پاشیدن اسید، چهره دختر جوانی تغییر یابد، خسارت مالی یا معنوی وارد بر زیان دیده ناشی از ارتکاب جرم می‌باشد و بموجب ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری ایران، بر حسب مورد متضرر از جرم می‌تواند تقاضای مجازات یا جبران خسارت یا هر دو را بنماید.

مسئولیت ناشی از جرم به دو نوع تقسیم می‌شود:

اول: مسئولیت ناشی از جرم در معنای اخص و محدود کلمه که آن فاعل زیان، در پیدایش خسارت وارده به زیان دیده، عمد دارد.

دوم: مسئولیت ناشی از شبه جرم در این نوع از مسئولیت ضرر وارده نتیجه سرعت غیر مجاز راننده‌ی اتومبیل بوده است.^۱

مذهبیون در تعریف جرم از عقاید دینی الهام می‌گیرند و آن را تضييع و تجاوز به حق الله و حق الناس می‌دانند و لذا جرم در شرع شامل مسائلی است که دارای مفساد اجتماعی و مفساد شخصی است، در حالی که مسائل اخیر همیشه عرفاً قابل مجازات نیست. ارزشهایی که در حقوق اسلام مورد احترام است جان و مال و عقل و شرف و دین افراد است که تجاوز به هر یک از این ارزش‌ها مستوجب ضمانت اجراهای کیفری دنیوی و اخروی است.^۲ بر همین اساس قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ مبادرت به تعریفی جامع و مانع و قانونی از جرم نموده و صراحتاً مقرر می‌دارد:

«هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جرم محسوب است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی شده باشد».

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مورد تعریف جرم به ضمانت اجرای کیفری مجازات های مقرر در ماده ۱۲ قانون مزبور اکتفا نموده و مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود».

^۱ لوراسا، منبع پیشین، ص ۳۲.

^۲ گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۱۹.





تبصره ۱ ماده ۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ می‌گوید: «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده است». عناصر تشکیل دهنده جرم عبارت است از: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی. عنصر قانونی: برای اینکه رفتار شخص، جرم و مستوجب مجازات باشد باید قبلاً قوانین، فعل یا ترک فعل را جرم شناخته و برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین کرده باشد. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، فعل یا ترک فعل را جرم محسوب می‌کند که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد.

دومین عنصر تشکیل دهنده جرم عنصر مادی است. رفتار عینی و خارجی شخص همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزائی عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد مثلاً، عمل تیراندازی یا ضربات کاردی که در قتل به کار می‌رود، یا خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی تماماً به صورت فعل یا ترک فعل عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهند. سومین عنصر تشکیل دهنده جرم عنصر معنوی یا عنصر اخلاقی است. قصد و عمد در ارتکاب جرائم عمدی بی احتیاطی و بی‌مبالاتی در جرائم غیر عمدی مربوط به عنصر معنوی است!

بخش سوم: تلاش متعارف در تقلیل خسارت در حقوق

این نکته حائز اهمیت است که عرف و قانون، از خواهان انتظار ندارد که مهمترین و بهترین روش معقول را برای کاهش خسارات به کار گیرد یا همه دستورات و جوانب فرعی را بررسی کند. به عنوان مثال، اگر خریدار، از تحویل کالای فروخته شده، امتناع کند، تنها این انتظار معقولانه از فروشنده می‌رود که به دنبال خریدار جانشین باشد؛ یا اگر یک مستخدم، به اشتباه از خدمت منفصل شود، پذیرفتن پیشنهاد کار کار فرمای قبلی اش معقولانه تلقی می‌شود یا اینکه این پیشنهاد را رد کند و در جستجوی استخدام دیگری باشد؛ اما این نامعقولانه است

^۱ گلدوزیان، منبع پیشین، ص ۱۵۸.

که در خانه بنشینند، تلویزیون تماشا کند و منتظر کار دیگری باشد. اگر چه انتظار نمی‌رود، پیشنهاد مجدد کارفرمای سابقش را که انفصال او را در شرایط تحقیر آمیزی صورت داده، بپذیرد در همین راستا، وظیفه کاهش خسارت، یک امر موضوعی است (نه حکمی) و به وسیله اوضاع و احوال هر پرونده‌ای، باید بررسی شود. اگر به دلیل بی‌پولی، خواهان، قادر به اقداماتی جهت کاهش خسارات نباشد، مورد مواخذه قرار نمی‌گیرد و در صورتی که اقدامات، برای کاهش خسارت، یک دادخواهی پیچیده و خطرناک را بطلبد، خواهان به جهت کوتاهی از اقدام به این امر، مسئول نیست و این وظیفه، از دوش او برداشته می‌شود. جایی که وظیفه کاهش خسارت، خرید اجناسی باشد، به عنوان مثال خریدار یک جنسی که از تحویل کالا به او امتناع شده نیاز نیست که اقدامات فوق العاده‌ای را برای تهیه کالا به همان قیمت و ارزش انجام دهد.^۱ بنابراین، وظیفه کاهش خسارات، شامل یک سری اعمال خاص و محدود نیست و نیاز به داوری عرف دارد که تشخیص دهد اقدام انجام شده، معقول بوده یا نه. آنچه مهم است، رفتار متعارف خواهان است که یک امر موضوعی است و با توجه به همه شرایط و اوضاع، احوال پیرامون قضیه سنجیده می‌شود. از اینرو، امکانات مالی زیان دیده و اطلاع او از نقض قرارداد یا فعل زیان بار و... باید مدنظر قرار گیرد.



بند اول: تلاش متعارف در تقلیل خسارت در فقه

اصل قاعده تقلیل خسارت در برخی از کشورها، به خصوص کشورهای تابع نظام کامن‌لا، از جمله انگلستان، مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما این قاعده، در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران، به صراحت وجود ندارد؛ لیکن، آیا بر اساس مبانی و قواعد کلی فقه امامیه هم قابل پذیرش است؟ اگر قابل پذیرش است، چگونه و بر اساس چه مبانی؟ در این گفتار، به این دو سوال پاسخ خواهیم داد. به نظر میرسد که مناسب‌ترین قاعده‌های که می‌تواند مبنای

^۱ امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۴۷، حقوق تعهدات، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۷.



قاعده مقابله با خسارت است که «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» در فقه اسلامی قرار گیرد، قاعده معروف فقهی مبنای آن حدیثی از پیامبر (ص) می‌باشد. در این بحث، تکیه اصلی، به بیان این قاعده و ارتباط آن با قاعده مقابله با خسارات است. در ادامه، در خصوص قاعده تسبیب هم توضیحاتی می‌دهیم و ارتباط آن را با قاعده مزبور بیان می‌داریم.

ابتدأً بایستی بررسی نمود چه ملاحظات اخلاقی و فلسفی و اقتصادی موجب می‌شود تا شخص از لحاظ مدنی مسئول شناخته شود و در عمل چه اهداف و نیازهایی را مسئول شناختن وی در بردارد نظریات بسیاری در این خصوص وجود دارد برخی نظریات ابزارگرا هستند و مسئولیت مدنی را ابزاری اجتماعی برای هدف های اجتماعی و بازداشتن افراد از پیش گرفتن رفتار غیر اجتماعی و زیانبار در آینده می‌دانند.^۱

اما برخی مخالف با «ابزار گرایی اقتصادی» عادلان هی خطر و هزینه مدنظر آنان است این امر هستند و می‌گویند مسئولیت مدنی ابزاری نیست و اگر این هدف ها را دارد اعتبار خود را از این هدف ها نمی‌گیرد و بایستی گفت علاوه بر جبران خسارت پیشگیری و جلوگیری از ورود خسارت نیز از اهداف مسئولیت مدنی است و به بیان دیگر اگر زیان زنده زبانی را ایجاد کند و زیان‌دیده ای که قدرت جلوگیری از تسری را دارد ولی چون می‌داند در هر حال تمامی زیان وی جبران می‌شود در نتیجه اقدامی جهت پیشگیری از ورود زیان بیشتر نمی‌کند چرا که این امر برای وی از حیث اقتصادی و اندیشیدن به نفع بیشتر، کارایی ندارد با این فرض یکی از اهداف مسئولیت مدنی که باز داشتن افراد از رفتار غیر اجتماعی است ناکام می‌ماند، و از طرفی برای آنکه این هدف تامین گردد لازم است بین درجه ی تقصیر وارد کننده ی زیان عمدی یا غیر عمدی و میزان جبران خسارت رابطه ی مستقیمی وجود داشته باشد در حالی که در عمل زمانی که بخشی از خسارت به جهت کاهلی زیان‌دیده در جلوگیری از خسارت ایجاد شده این

^۱ بادینی، حسن، ۱۳۸۳، هدف مسئولیت مدنی، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه، شماره ۶۶، ص

خسارت را مستقیماً زیان زننده ایجاد نموده لذا نایستی جبران زیان را بر دوش او بنهیم مضافاً مسئولیت مدنی ابزاری است برای رسیدن به کارایی اقتصادی و یکی از طرق رسیدن به این کارایی از راه ایجاد انگیزه در پیش گرفتن اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه قابل توجه است، می باشد و راه دیگر توزیع عادلانه ی ضرر در بین اعضای جامعه و از حیث بازدارندگی اقتصادی حادثه هم برای زیاننده و هم وارد کننده ی زیان هزینه دارد و پیشگیری از تسری حادثه هم هزینه در بردارد. کارایی اقتصادی ایجاب می کند تا هزینه های حوادث کاهش یابد که این هزینه ها مشمول کاهش تعداد و شدت حوادث می باشد به عنوان مثال: اگر شخصی توسط دیگری زخمی گردید و اقدام به معالجه در موعد ننماید و زخم منجر به بیماری عفونی شدید و در پی آن عوارض دیگر گردد عدم اقدام زیاننده موجب ایجاد حوادث جدید می گردد و از طرفی اقدام به موقع می تواند هزینه های درمانی را نیز کاهش دهد و همچنین هزینه های اجتماعی اختلال در زندگی طرفین نیز کاهش می یابد و از طرفی یکی از اهداف مسئولیت مدنی این است که افراد را وادارد تا هزینه های حوادث (هزینه های دور از انتظار حوادث) و هزینه های پیشگیری از حوادث و هزینه های مراقبت و احتیاطی را به حداقل برسانند پس مسئولیت بر عهده ی کسی قرار می گیرد که از خطر قریب الوقوع آگاهی داشته و با هزینه ی کمتری می توانسته از آن پیشگیری کند.^۱ علاوه بر توجه قاعده بر مبنای مسئولیت مدنی، اصولی نیز وجود دارد که مسئولیت مدنی زیاننده بر مبنای آن استوار است من جمله دیدگاه مبتنی بر فایده گرایی (رفاه گرایی) که مقرر می دارد آنچه درستی یا نادرستی عملی را مشخص می کند نتایج آن عمل است و به واقع تاثیری که فعل یا ترک فعل در جهان می گذارد و معیار درستی یا نادرستی یک عمل است. مقابله با خسارت موجب رفاه بیشتر جامعه می گردد و در مجموع به نفع جامعه و حتی عدالت بین افراد و اشخاص است و از طرفی مقابله با خسارت مستلزم حداکثر خیر مادی برای طرفین است.^۲ و در برخی نظام های حقوقی مثل

^۱ بادی، منبع پیشین، ص ۸

^۲ داراب پور، منبع پیشین، ص ۴۷۰.





نظام های حقوقی اسلامی هم علاوه بر موارد فوق این قاعده می تواند ریشه در اخلاق مذهبی که حفظ جان و مال را واجب گردانیده، داشته باشد.^۱

بند دوم: مستندات فقهی قاعده تقلیل خسارت

با توجه به اینکه قواعد ضمان در فقه به صورت عام مطرح شده و بین مسئولیت قهری و قراردادی تفکیک رایج در حقوق مطرح نشده؛ مبانی مطالبه خسارت ناشی از تفویت منافع ناشی از نقض قرارداد را باید در قواعدی همچون اتلاف و تسبیب و نیز لاضرر به عنوان قواعدی عام، جستجو کرد.

قاعده اتلاف و تسبیب: اگر کسی مال دیگری را مستقیم و به مباشرت، تلف نماید «اتلاف» و در صورتی که غیر مستقیم و سبب و زمینه تلف را فراهم نماید، اتلاف به «تسبیب» نامیده می شود. در هر دو صورت عامل زیان، ضامن خسارتی که ایجاد نموده است.^۲ در مورد شمول قاعده اتلاف و تسبیب نسبت به تفویت منافع مسلم در اثر نقض تعهد؛ برخی معتقدند این دو قاعده ناظر به تلف عین اموال موجود و مسئولیت قهری است و ارتباطی به مسئولیت قراردادی ندارد چرا که در مسئولیت قراردادی بیشتر مسأله تفویت منافع مطرح است و تفویت منافع مورد انتظار از قرارداد، تفویت عین مال موجود محسوب نمی شود. در این زمینه از نظریات مشهور در باب غضب نیز استفاده میشود که در جایی که مال موجودی تلف نشده باشد، ضمانی هم در میان نیست.^۳ نظریه مقابل اینکه به دو قاعده در جبران تفویت منافع مسلم ناشی از نقض قرارداد، می توان استناد کرد چرا که اولاً به لحاظ ماهوی و مبنایی بین مسئولیت قهری و قراردادی تفاوت اساسی وجود ندارد.^۴ لذا در منابع فقهی نیز تفکیکی در این خصوص صورت «تلف عین مال» نگرفته است. ثانیاً

۱. جنیدی، لعیا، ۱۳۷۴، تقصیر زیان‌دیده، تهران، مجله ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۷۳۱، ص ۶۱.

۲. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۰، ارشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، چاپ اول، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۴۶۱.

۳. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ص ۲۲۹.

۴. باریکلو، علی رضا، ۱۳۸۷، مسئولیت مدنی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ص ۳۱.

هر چند مشهور فقیهان خسارت قابل مطالبه را حصری می دانند اما هستند فقیهانی که با نظر مشهور موافق نیستند و دامنه مسئولیت را به عدم النفع نیز سرایت داده اند. از نظر ایشان تفویض منافع مسلم از نظر عرف، تلف مال و ایراد ضرر و خسارت تلقی می شود.^۱ برخی از فقهای معاصر نیز در قرارداد مزارعه در موردی که زارع زراعت را ترک می کند تا اینکه مدت مقرر در مزارعه منقضی می شود، نظری را مطرح میکنند که با استناد به قاعده اتلاف، زارع نسبت به سهم مالک زمین، ضامن است چرا که زارع با ترک زرع، مال غیر را اتلاف نموده است.^۲

دلیل عقلی: عقل به عنوان یکی از ادله احکام، همچنانکه مستقلاً بر نفي ضرر و ممنوعیت اضرار دیگران حکم می نماید بر لزوم دفع و جبران ضرر وارد به دیگران نیز حکم مینماید.^۳ به حکم عقل ضرر رساندن به دیگران قبیح است و تا زمانی که ضرر رفع و جبران نشود، ضرر موجود بوده و بر قبیح بودن خود باقی است. بر اساس همین حکم عقل است که بناء و سیره عقلاً نیز بر جبران خسارت قرار دارد و به تعبیر برخی از محققین آنچه می تواند مشکل دلالت قاعده لاضرر بر ضمان را از بنیاد حل کند آن است که در قاعده لاضرر نه فقط به نصوص لفظی، بلکه به بنای عقلاً تمسک شود.^۴

دلیل نقلی: از قرآن، آیات متعددی بر نهي از اضرار به غیر دلالت دارد که از آنها می توان به عنوان شواهدی بر تایید حکم عقل در این خصوص استفاده کرد.^۵ این آیات در موضوعات متعددی همچون نهي از اضرار پدر و مادر در مورد فرزند، نهي از رجوع به همسر مطلقه به قصد اضرار و پایمال کردن حقوق وی، نهي از ضرر رساندن به دائن یا

۱. مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، ۱۴۱۷، العناوین الفقهیه، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۴۲۶.

۲. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۱۶، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم، چاپخانه مهر، ص ۱۴۹.

۳. مکارم شیرازی، منبع پیشین، ص ۱.

۴. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۶، اصل لزوم در عقود و مجاری آن در فقه امامیه، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده

حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۱-۱۲، ص ۱۶۱.

۵. مکارم شیرازی، منبع پیشین، ص ۱۴۱.





مدیون از طریق کتابت و شهادت خلاف واقع در مورد دین وارد شده است.^۱ البته نهی از ضرر در این آیات در موارد خاصی مطرح شده اما با مورد آیات خصوصیتی ندارد و با الغای خصوصیت مورد، می‌توان قاعده عامی مبنی بر ممنوعیت و نهی ضرر و اضرار استفاده کرد.^۲ اگر چه این آیات به صورت مستقیم دلالتی بر ضمان و جبران خسارت ندارند، اما لزوم تدارک و جبران خسارت وارد به غیر را می‌توان از لوازم نهی از ضرر دانست؛ زیرا تا زمانی که ضرر جبران نگردد، نهی شارع همچنان به قوت خویش باقی و حرمت نیز ادامه می‌یابد. برای رفع حرمت، جبران زیان لازم است. از روایات، دو دسته روایات وجود دارد. دسته اول، روایاتی که متضمن عبارت «لاضرر و لااضرار» است. مهمترین این روایات قضیه سمره بن جندب است که از آن به حدیث «لاضرر و لااضرار» تعبیر میشود. این حدیث که در منابع مختلف نقل شده به لحاظ سندی صحیح‌ترین روایت در مورد قاعده لاضرر دانسته شد،^۳ بسیاری از فقهای معاصر نیز بر اعتبار آن تصریح کرده‌اند و حتی بر آن ادعای تواتر شده است.^۴ ضرر دلالت بر نفی جنس دارد به این معنا که ضرری در عالم خارج وجود ندارد. به دلیل وجود ضرر در خارج و در بین مسلمانان، تفاسیر مختلفی از این حدیث شده است که مهم‌ترین آنها نظریه نهی شرعی تکلیفی^۵ و نفی حکم ضرری^۶ می‌باشد. استفاده ضمان از این قاعده منافاتی با هیچ‌یک از این نظریات ندارد. بر مبنای نظریه نهی شرعی تکلیفی؛ میتوان حکم وضعی ضمان را از لوازم حکم تکلیفی حرمت اضرار به غیر دانست با این استدلال که تا زمانی که ضرر جبران نشود، نهی شارع و حرمت ضرر نیز ادامه می‌یابد. به تعبیر مرحوم مراغی؛ جبران نکردن خسارت خود

۱. سوره بقره، آیات ۲۳۱-۲۳۳.

۲. محقق داماد، منبع پیشین، ص ۹۳.

۳. انصاری، منبع پیشین، ص ۱۰۹.

۴. بجنوردی، سید حسن وهمکاران، ۱۴۱۹، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم، نشر الهادی، ص ۴۹۶.

۵. شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد نمازی، ۱۴۱۰، قاعده لا ضرر، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۲۴.

۶. انصاری، منبع پیشین، ص ۲.

اضرار بوده و حرام است. رفع ضرر بر ضرر زننده واجب است چرا که قطع ریشه فسادى که از اضرار به غیر حاصل می شود به صرف حکم تکلیفى مبنی بر حرمت اضرار، تحقق نمیابد بلکه مسئولیت مدنى و ضمان عامل زیان لازم است؛ همچنانکه پیامبر گرامى اسلام (ص) نیز در برخورد با سمره بن جندب به حرمت تکلیفى اکتفا ننموده، دستور فرمودند تا درخت او را از ریشه برکنند.^۱

نتیجه گیری

مسأله بروز خسارات اگر چه در اصل لزوم جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادى، حقوق ایران با اصول قراردادهای تجارى بین المللى و کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللى کالا، هم نظر است اما در اینکه چه مواردی به عنوان خسارت ناشی از نقض تعهد، قابل مطالبه بوده؛ اصول قراردادهای تجارى بین المللى به صراحت نظریه دریافت خسارت کامل را پذیرفته است و آن را شامل خسارتهای وارده و نیز خسارت های ناشی از محروم شدن از منافع متعارف و مورد انتظار می داند. از مفهوم ماده ۷۴ کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللى کالا نیز به وضوح پذیرش این نظریه استفاده می شود. بنابراین از منظر این دو سند، بعد از جبران خسارت، باید زیان دیده در موقعیتی قرار گیرد که اگر قرارداد اجرا می شد، در آن موقعیت قرار داشت. این نظریه در حقوق ایران با چالش مواجه است چرا که مقررات مدنى ایران در مورد لزوم جبران خسارات مادی که بالفعل وارد شده، با این دو سند بین المللى موافق است اما در مورد خسارتهای ناشی از تفویت منافع که از آن به عدم النفع نیز تعبیر می شود، ساکت است. نظریه تقلیل خسارت، یک نظریه حقوقی جهان شمول در حوزه مسئولیت مدنى، اعم از قراردادی و قهری، است. به موجب این نظریه، زیان دیده نمی تواند خسارت هایی را که می توانست با مراقبت و دقت متعارف بعد از تحمل ضرر، بکاهد یا جلوگیری کند، از عامل زیان مطالبه نماید. لذا هرگونه ضرری را که زیان دیده، بتواند با اقدامات معقول، دفع کند، قابل جبران

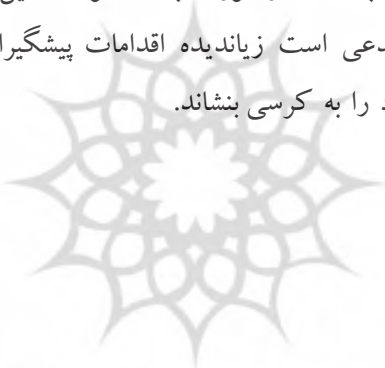
^۱ مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، ۱۴۱۷، العناوین الفقهیة، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۳۱۹.



نخواهد بود. ماده ۷۷ کنوانسیون با پذیرش این قاعده، مقرر می‌دارد که زیان‌دیده، حتی اگر نقض قرارداد اساسی باشد، نمی‌تواند هیچ اقدام پیشگیرانه متعارفی انجام ندهد و منتظر وقوع خسارت باشد، بلکه باید اقدامات متعارف و معقولی را در کاهش خسارت انجام دهد، مثلاً اگر مبیع، نقصی جزئی دارد خریدار باید آن را مرتفع کند.

تکلیف خواهان به تقلیل خسارت، به معنای تکلیف قانونی و تعهد به معنای مرسوم نیست؛ زیرا در مقابل آن، هیچ حق متقابلی وجود ندارد و نقض این تکلیف هیچ مسئولیتی ایجاد نمی‌کند. تقلیل خسارت صرفاً دفاعیه خوانده است در مقابل ادعای خواهان به جبران خسارت، لذا اگر خواهان، به تکلیف خود عمل نکند، نمی‌تواند خساراتی را که قابل تقلیل یا رفع بوده، از خوانده مطالبه کند. در مورد اثبات دعوای تقلیل خسارت باید از این قاعده پیروی کرد: طرفی که مدعی است زیان‌دیده اقدامات پیشگیرانه متناسبی را انجام نداده است، باید این ادعای خود را به کرسی بشناسد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و ماخذ

۱. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۸۶
۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۹
۳. انصاری، علی، مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش های حقوقی تطبیقی ۱۳۸۸
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، جلد ۱، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۵
۵. جنیدی، لعیا، تقصیر زیان‌دیده، تهران، مجله ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
۶. حاضری، جواد، قاعده کاهش خسارت درکامن لا، کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین، مجله تخصصی حقوقی گواه ۱۳۸۹
۷. حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۰، ارشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۸. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشرالکتاب.
۹. رجبی، حسین، کاربرد عرف در استنباط، کیهان اندیشه، خرداد و تیر ۱۳۸۰
۱۰. سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۵۴، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۱۱. سید سادات، محسن، ۱۳۸۰، تکلیف زیان دیده به کاستن از خسارت با تاکید بر حقوق انگلیس و آمریکا
۱۲. شعاریان، ابراهیم، مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت، نشریه علمی پژوهشی فقه
۱۳. شیخ الشریعہ اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد نماز، قاعده لا ضرر، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۴۱۰





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی